

# بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آنها<sup>۱</sup>

حسین قدرتی<sup>۲</sup>  
فاطمه مقصودزاده<sup>۳</sup>

## چکیده

تحقیق حاضر باهدف بررسی مشکلات اجتماعی دانشجویان دختر با توجه به سبک زندگی خوابگاهی و مقایسه آن با رخداد آسیب در شرایط زندگی به همراه خانواده در سال ۱۳۹۷ انجام گرفته است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی و روش تحلیل داده با کدگذاری نظری مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است. نمونه آماری آن شامل ۱۴ دانشجوی دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه حکیم سبزواری بوده که به شیوه نمونه‌گیری گلوله بر فی هدفمند انتخاب شدند. به موازات نمونه‌گیری، تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از همان نمونه اول آغاز شد و جمع‌آوری داده تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری در خصوص سوالات تحقیق حاصل گردید. داده‌های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌های عمیق فردی و نیمه ساختاریافته جمع‌آوری گردیدند که برای ارزیابی روایی، دقت و پایایی این داده‌ها از معیار مقبولیت و همسانی استفاده شده است.

مطابق یافته‌های پژوهش، ۸ مقوله: برچسب‌های اجتماعی در محل زندگی، هنجارهای کترلی خانواده، محدودیت‌های محیطی، عدم استقلال و نداشتن آزادی عمل، تناقض سنت‌ها بالارزش‌های جامعه امروزی، تضاد عقاید با اعضای خانواده، فاصله‌گیری از خود واقعی، طبیعی شدن آسیب‌های اجتماعی به عنوان مشکلات زندگی خوابگاهی جمع‌بندی شد. مفاهیم استخراج شده نشان می‌دهد که سبک زندگی خوابگاهی پیامدهای مثبتی در ابعاد فردی برای این دانشجویان دختر به همراه داشته است از جمله: افزایش استقلال فردی در زندگی خوابگاهی، مدیریت هزینه‌های

<sup>۱</sup> مقاله برگرفته از پژوهشی آزاد و مربوط به سال ۱۳۹۷. مطالعه موردی: دانشجویان دختر خوابگاه‌های دانشگاه حکیم سبزواری

<sup>۲</sup> دانشیار گروه مطالعات اجتماعی، مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسئول، پست الکترونیک: hosseineghodrati@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری، پست الکترونیک: Fatemehmaghsodzadeh15@gmail.com

اقتصادی، بالا رفتن قدرت درک و مدارا، بهبود تعاملات اجتماعی. مقوله هسته‌ای پژوهش مدیریت خود در شرایط متناقض است.

به طور کلی نتایج تحقیق بیان گر این است که آزادی و استقلال عمل افراد در زندگی خوابگاهی بیشتر از زمانی است که به همراه خانواده زندگی می‌کنند و اکثر دانشجویان علی‌رغم وجود مشکلات زندگی خوابگاهی، این سبک زندگی را بر زندگی به همراه خانواده ترجیح می‌دهند.

**واژگان کلیدی:** زندگی خوابگاهی، دانشجویان، مشکلات اجتماعی

#### مقدمه

یکی از مسائل مهم و نیازهای اساسی جامعه امروز ادامه تحصیل، رشد و ارتقای علمی افراد جامعه است که جوانان مستعد و تلاش‌گر را به سوی خود جذب کرده است. دانشگاه‌ها در مراکز شهرهای بزرگ قرار دارند و دانشجویان چاره‌ای جز ترک شهر و منطقه بومی خود ندارند و باید در خوابگاه‌های پیش‌بینی شده ساکن شوند این انتخاب اجباری باعث آشنایی آن‌ها با فرهنگ‌های مختلف می‌شود (فروتن، ۱۳۸۹).

خوابگاه‌های دانشجویی به عنوان یک فضای فیزیکی، بخش محدودی از دانشگاه را به خود اختصاص داده است که برای سکونت، آرامش و تأمین بهداشت روانی دانشجویان به همراه بهره‌مندی از سایر امکانات فرهنگی، رفاهی، فوق برنامه، تربیت‌بدنی، مشاوره و راهنمایی، کتابخانه، امور تغذیه و بهداشت و درمان در نظر گرفته شده است و کلیه مقررات انصباطی و اداری دانشگاه در آن حاکم است. همچنین با در نظر گرفتن این حقیقت که اهمیت خوابگاه در محدوده وظایف اجتماعی تعلیم و تربیت است، خوابگاه‌های دانشجویی باید ب قانونمند و دارای شرایط و خصوصیات مطلوبی باشند تا دانشجو از عهده ایفای نقش خود در اجتماع به خوبی برآید (کریم پور فرد، ۱۳۸۶). در خوابگاه‌ها، کنترل قلمرو مکانی با میزان رضایت ساکنان در ارتباط است. ایجاد قلمروهای مجزا برای دو دانشجوی هم‌اتاق، به سادگی ممکن نیست زیرا اثنیه اتاق‌ها به گونه‌ای ثبت می‌شود که دسترسی به حوزه‌های مختلف اتاق را غیرقابل کنترل می‌سازد و در این نوع زندگی جمعی روشن نیست که هر حوزه فضایی متعلق به کدامیک از ساکنان اتاق است (سامر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۴). بچیل<sup>۲</sup> معتقد است گاهی از دحام بیش از حد قلمروهای مکانی تضاد رفتاری ایجاد می‌کند،

<sup>1</sup> Sommer

<sup>2</sup> Bechtel

به این معنا که تعداد افراد هر اتاق باید با الگوی جاری رفتاری تناسب داشته باشند و هر فرد باید فضای شخصی، کافی و دلخواه خود را در اختیار داشته باشد (بچل، ۱۹۹۷).

دانشجویان در طی دوران تحصیل نیازهای متفاوتی دارند؛ مسکن از بنیادی ترین آنها محسوب می‌شود. دلیل اهمیت مسکن به‌طور عام و خوابگاه دانشجویی به‌طور خاص، این است که می‌تواند احساس امنیت ایجاد کند و خوابگاه‌ها غالباً مکان امن‌تری نسبت به مسکن شخصی برای دانشجویان محسوب می‌شوند (سعیدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۴).

به‌طور کلی خوابگاه باید به لحاظ فیزیکی مکان مناسبی باشد و بتواند موقعیت‌های مناسبی را جهت رشد فردی و اجتماعی دانشجویان فراهم آورد (استردا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). خوابگاه در پیشرفت تحصیل و استقرار زندگی دانشجویی اثربخش باشد، نخواهد توانست حس موقفيت و مسئولیت‌پذیری در کسب دانش را برای دانشجویان به همراه داشته باشد (سعیدی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۴).

بخشی از دانشجویان شرایط جدید را به‌طور کامل درک کرده و سعی بر آن دارند که خود را با آن طبیق دهند. آن‌ها از زندگی جدید به عنوان یک فرصت استفاده می‌کنند. طبیعتاً این امکان نیز وجود دارد که برخی از دانشجویان دچار مشکلات و آسیب‌های خاص این سبک از زندگی شوند. از آنجایی که حساسیت دختران در مقایسه با پسران بیشتر است، وجود این مشکلات به مرتب برای آنان سخت‌تر خواهد بود. همچنین دختران در فرهنگ ایرانی با محدودیت‌های محیطی بیشتری در جامعه نسبت به پسران روبرو هستند و درنتیجه ممکن است زمان بیشتری را در محیط خوابگاه بگذرانند، کمتر به فعالیت‌های جانبی سرگرم‌کننده به‌جز مطالعه مطالب درسی پردازند و به علت صرف زمان بیشتر در محیط خوابگاه، مشکلات بیشتری را تجربه کنند. درواقع برنامه‌ها و فضاهای فراغتی موجود در اغلب خوابگاه‌ها برای دختران بسیار محدودتر است. به نظر می‌رسد دختران جوان، نیازمند برنامه‌های فراغتی بیشتری نسبت به پسران هستند که در صورت عدم وجود چنین برنامه‌هایی، با مشکلات و آسیب‌های زندگی خوابگاهی بیشتری روبرو خواهند شد (نوری و همکاران، ۱۳۹۲).

اغلب مشکلات اجتماعی را وضعیت‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که به جامعه آسیب می‌زنند؛ اما درک و فهم موضوع بر اساس تعریف یادشده چندان که در ابتدا به نظر می‌رسد آسان نیست، چراکه مفهوم آسیب‌زا بودن، وضوح و روشنی لازم را ندارد. به علاوه از آنجاکه مسائل اجتماعی بسیار متنوع بوده و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، خشونت و کودک‌آزاری را در بر می‌گیرند، توافق نمودن بر سر مصاديق مشکلات اجتماعی، دشوار است. از سوی دیگر هنگامی که از مشکلات، آسیب‌ها یا انحرافات اجتماعی نامبرده می‌شود مهم‌ترین وجه موردنوجه این

<sup>۱</sup> Estrada, Gomez, Maniti, Polliente & Reynoso

است که تفکیک بین جنبه‌های فردی و اجتماعی مشکلات و آسیب‌ها، بسیار دشوار است. به طور کلی مفهوم مشکل اجتماعی، مفهومی نسبی است (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۰). آنچه در خصوص مشکلات اجتماعی کمتر جای بحث و بررسی دارد و از اغلب دیدگاه‌های موربد بررسی تأیید شده است، پذیرش مشکلات اجتماعی به عنوان وضعیت‌هایی است که بالارزش‌ها و هنجارهای تعداد قابل توجهی از افراد هر جامعه در تعارض هستند و علاوه بر مشکل‌زایی، اکثریت افراد جامعه خواستار اصلاح و برطرف کردن آن هستند.

محیط، نقش اساسی در شکل‌گیری احساسات، ارزش‌ها و توانمندی‌های افراد دارد. زندگی در شهر از زادگاه، شهر و خانواده نیز می‌تواند آسیب‌های متعددی را برای دانشجویان به همراه داشته باشد. زندگی خوابگاهی آزادی و استقلال عمل زیادی به فرد می‌دهد. بازخورد این مسئله که فرد چگونه از این آزادی استفاده می‌کند، می‌تواند کارکردهای مثبت و منفی مختلفی را ایجاد کند. به عنوان مثال این استقلال عمل ممکن است زمینه‌های پیشرفت و ترقی برای افراد ایجاد کند. افراد ساعات زیادی را در خوابگاه‌ها کنار هم می‌گذرانند و بسیاری از مسائل روزمره را باهم تجربه می‌کنند. این سبک زندگی باعث آشنایی فرد با افراد، فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و خلق و خواهای مختلف می‌شود. رابطه‌ی دوستی و جایگاه دوست در سبک زندگی خوابگاهی، پررنگ‌تر از زمانی است که فرد همراه خانواده زندگی می‌کند. دانشجویان با ورود به خوابگاه، از محیطی که سال‌ها در آن زندگی کرده‌اند جدا می‌شوند و در محیط جدید و متفاوتی قرار می‌گیرند. برخورد با انسان‌های جدید باعث شکل‌گیری روابط و تجربه‌های جدیدی می‌شود و به‌تبع آن باعث ظهور و بروز آسیب‌های اجتماعی متفاوتی می‌گردد.

زندگی برای دانشجویان در شهر از محل زندگی، معمولاً مشکلاتی را ایجاد می‌کند. دانشجویان جوان به‌ویژه دختران با تمام روابط عاطفی و معنوی در حساس‌ترین سال‌های زندگی، از خانواده جدا می‌شوند تا برای ادامه تحصیل به دانشگاه پیوندند. از این‌رو شناخت مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویی از جنبه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

بنابراین پژوهش حاضر به شناسایی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه حکیم سیز واری پرداخته است. از این‌رو، پرسش اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که؛ مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های دانشجویان دختر که در خوابگاه‌ها زندگی می‌کنند، چیست؟

## مبانی نظری

### نظریه‌های عمومی جامعه‌شناسی

می‌توان در چارچوب نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی به مسائل اجتماعی پرداخت. بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین که ریشه در روان شناسی اجتماعی مید و کولی دارد، رفتار اجتماعی انسان اعم از نابهنجار یا نابهنجار، بر اساس یک عمل دوچانبه و متقابل به وجود می‌آید. نظریه کنش متقابل، مسائل اجتماعی را محصول اجتماعی نابهنجاری‌هایی می‌داند که در روابط متقابل فرد با جامعه و اطرافیانش نمود پیدا می‌کند. به طورکلی فرد و جهان اجتماعی، فرا گردهای ساختاری و ایستا نیستند و در فرآیند کنش متقابل دائمًا بازسازی می‌شوند. در نظریه کنش متقابل نمادین، کنشگران حین کنش اجتماعی، در فرا گردی از نفوذ متقابل قرار می‌گیرند و امیدوارند که نمایش آن‌ها اطرافیانشان را وادارد تا داوطلبانه واکنش نشان دهند و به دلخواه آن‌ها عمل کنند (ریتزر، ۱۳۸۲: ۲۸۶).

در رویکرد روش‌شناسی مردم نگارانه، ذهن عصری فعال و خلاق است که تصویرهای دیگران از موقعیت را درمی‌باید و آن‌ها را تفسیر می‌کند و درنتیجه تصمیم می‌گیرد که چگونه عمل کند. در این دیدگاه، تفسیر هنجار و هنجارشکنی وابسته به رویکرد وضع کنندگان، نقض کنندگان و اجرائی‌کنندگان هنجارها است (صدقیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۱).

دورکیم<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی می‌داند، از نظر وی کرجرفتاری باعث افزایش همبستگی گروهی می‌شود (ممتأز، ۱۳۸۱: ۵۸). در نظریه انتقال فرهنگی، ساترلند<sup>۲</sup> (۱۹۳۹) معتقد است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، درصورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند و افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، تبهکار یا بزهکار می‌شوند. این مضمون بیانگر اصطلاح «یار بد» است (گیدنر، ۱۴۰: ۱۳۸۷).

هیرشی<sup>۳</sup> (۱۹۶۹) از اندیشمندان دیدگاه نظارت اجتماعی<sup>۴</sup> معتقد است کرجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد و یا گستته شود. هرچه افراد، کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوندشان با جامعه سست‌تر و احتمال کرجرفتاری بیشتر خواهد بود (ممتأز، ۱۳۸۱: ۱۱۹). نای<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) او معتقد است که خانواده

<sup>1</sup> Durkheim

<sup>2</sup> Sutherland

<sup>3</sup> Hirschi

<sup>4</sup> social control theory

<sup>5</sup> Nye

از طریق نظارت درونی، نظارت مستقیم و غیرمستقیم و ارضای نیازهای فرد، باعث تقویت پیوند اجتماعی می‌گردد. افراد میزان همنوایی یکسانی با جامعه ندارند؛ مشکل در خانواده شروع می‌شود، در مدرسه ادامه پیدا می‌کند و در محل کار خاتمه می‌پاید (ممتأز ۱۳۸۱: ۱۲۲).

بر اساس نظریه دلبستگی، افراد در صورتی به تطابق اجتماعی دست می‌یابند که دلبستگی اولیه افراد به مراقبان خود بالحساس اینمی همراه بوده باشد. فقدان دلبستگی موجب می‌شود که فرد احساس تنها بی و اضطراب کند و نوعی تضاد با اجتماع و محیط به وجود آید (لاجوردی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۱۴). در دیدگاه بی‌سازمانی خانوادگی از نظر تامس<sup>۱</sup> (۱۹۱۳) و زناییکی<sup>۲</sup> (۱۹۱۳)، اگر فرد در خانواده هیچ مانعی برای تمایلات فردگرایانه جدید خود نداشته باشد، این تمایلات را به صورتی عادی اظهار می‌کند و اگر فرد با مخالفت جدی مواجه شود و بهاندازه کافی از بند نظام سنتی آزاد نشده باشد، پیامد آن خصومت و رفتار ضداجتماعی خواهد بود (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۵۸-۶۰).

مرتن<sup>۳</sup> (۱۹۶۸) معتقد است که از هم‌گسیختگی میان آرزوها و اهداف فرهنگی معین و شیوه‌های ساختاری شده‌ی اجتماعی برای دستیابی به این اهداف، موجب نابهنجاری رفتارها در جامعه می‌شود. به عبارتی علت بی‌هنجاری در جامعه شکاف بین اهداف و وسایل کسب آن‌هاست و درنتیجه احساس محرومیت ناشی از آن باعث ضعف تعهدات فرد نسبت به اهداف یا وسایل و امکانات می‌گردد و فرد را در وضعیت بی‌هنجاری قرار می‌دهد (آقا بخشی، ۱۳۷۸: ۲۲-۳۴).

گافمن<sup>۴</sup> (۱۹۵۹) در رهیافت نمایشی خود، از استعاره‌های صحنه و نمایش استفاده می‌کند. رویکرد نمایشی در کار گافمن به معنای درک دیگری استفاده می‌شود: افراد بازیگرانی هستند که دست به اجرای کنش‌های نمایشی اغلب گول‌زننده می‌زنند تا نیت‌هایشان را محقق کنند. به عقیده وی هر کنش متقابلی یک جلوصحنه دارد که با جلوصحنه اجرای تئاتر شباهت دارد. همچنین در هر دو مورد، یک پشت‌صحنه وجود دارد که در آن بازیگران می‌توانند خودشان باشند و از نقش خود خارج شوند (ربیزر، ۱۳۸۳: ۹۴).

<sup>1</sup> Thomas

<sup>2</sup> Znaiki

<sup>3</sup> Merton

<sup>4</sup> Goffman

### نظريه‌های مرتبط با مسائل و آسیب‌های اجتماعی

به طور معمول مشکلات اجتماعی را وضعیت‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که برای جامعه آسیب‌زننده‌اند؛ اما در کم موضع بر اساس تعریف یادشده چندان‌که در ابتدا به نظر می‌رسد آسان نیست، چراکه مفهوم آسیب‌زا بودن وضوح و روشنی کافی ندارد. به علاوه از آنجاکه مسائل اجتماعی بسیار متنوع بوده و مشکلاتی چون فقر، بیکاری، اعتیاد، طلاق، خشونت، کودک‌آزاری و مانند این‌ها را در بر می‌گیرند توافق نمودن بر سر مصاديق مشکلات اجتماعی، دشوار می‌نماید. از سوی دیگر هنگامی که از مشکلات، آسیب‌ها یا انحرافات اجتماعی نام برده می‌شود با مجموعه‌ای از سختی‌ها و آلام انسانی روبرو می‌شویم که تمایز بین جنبه‌های فردی و اجتماعی آن‌ها بسیار دشوار می‌باشد.

چالش دیگر در این بحث، «نسبی» بودن مفهوم مشکل اجتماعی در ارتباط با اشخاص، زمان، مکان و فرهنگ جوامع است. مشکلات اجتماعی دارای دو بعد عینی و ذهنی هستند؛ یعنی مشکلات اجتماعی هم عینی و قابل مشاهده‌اند و هم نگرشی و مرتبط با ذهنیت هستند. به عنوان مثال فقر، خشونت خانگی و رشوه‌خواری همگی دارای ابعاد عینی بوده، از تعامل میان افراد، گروه‌ها و دیگر عناصر اجتماعی ایجاد می‌شوند و سبب رنج مادی یا روانی بخشن قابل توجهی از جامعه می‌گردند؛ اما از سوی دیگر به لحاظ تنوع در ذهنیت افراد، زمینه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها، طرز تلقی افراد از «مشکل» تلقی شدن این مسائل با یکدیگر، متفاوت است (رفیعی، ۱۳۸۰). از سویی هنگامی که برای تعیین مصاديق مشکلات اجتماعی به افکار عمومی رجوع می‌شود این قضاوت می‌تواند تحت تأثیر تلقی‌های ارزشی «سازندگان افکار عمومی» قرار گیرد که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم و با استفاده از قدرت و ثروت خود، دیدگاهی را در لایه‌های جامعه بسط می‌دهند. به همین دلیل خطر صحه گذاشتن بر نابرابری‌ها یا سایر مشکلاتی که خود معلول نظام عیرعادلانه‌اند، همواره وجود دارد (رایینگن، ۱۳۸۲).

نکته قابل توجه دیگر در مورد مشکلات اجتماعی آن است که مشکلات اجتماعی، اموری ثابت نیستند بلکه دائمًا در حال تغییر و تحول‌اند. آنچه در یک‌زمان مشکل اجتماعی تلقی می‌شود، ممکن است در زمان و مکانی دیگر مشکل اجتماعی لحاظ نگردد. به عبارتی مشکل اجتماعی مفهومی وابسته به هنجارها و ارزش‌های زمانه خود است که با تغییر این هنجارها در طول زمان تغییر می‌یابد. افزایش جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک شهری و آلودگی به ویروس HIV<sup>۱</sup>، همگی مشکلاتی هستند که در دو یا سه دهه اخیر در کشور ما بروز و ظهور یافته‌اند و پیش از آن هیچ‌یک از سوی جامعه به عنوان مشکل اجتماعی تلقی نمی‌شده‌اند (رفیعی، ۱۳۸۷).

<sup>۱</sup> Human immunodeficiency virus

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در مورد مشکلات و مسائل دانشجویان خوابگاهی صورت گرفته است. این مسئله مورد توجه محققان در رشته‌های مختلف بوده است که در ادامه به برخی از تحقیقات انجام‌شده اشاره می‌شود. در پژوهشی (نادرنژاد و همکاران، ۱۳۹۱) به "شناسایی آسیب‌های اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی با تأکید بر استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی" با رویکرد کیفی پرداختند. نتایج تحقیق در سه حوزه مشکلات فردی، محیطی و شبکه، طبقه‌بندی شد. نتایج نشان داد که مشکلات بی‌خوابی افراد (۷۵٪) و نارضایتی از تعداد دانشجوی هر اتاق (۷۰٪) بوده است. در این تحقیق بر وجود ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی با کمبود خواب و بروز مشکلات و اعتقاد کاربران به تضعیف مسائل اخلاقی در رابطه با این شبکه‌ها، تأکید گردیده است.

نتایج پژوهش (زائر و محمدی، ۱۳۹۲) با عنوان "مشکلات اجتماعی-تحصیلی دانشجویان دختر ۱۸-۲۹ ساله) ساکن خوابگاه دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۲ از دید خود دانشجویان "نشان داد بین معدل، مشروط شدن، شهر محل خوابگاه، شهر محل سکونت والدین و تراکم افراد در خوابگاه با مشکلات اجتماعی- تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

مطالعه (ستار، ۱۳۹۵) با عنوان "چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خودگردان در شهر تهران" حاکی از آن است که خوابگاه‌های خودگردان با چالش‌هایی مواجه‌اند از جمله نداشتن حریم خصوصی ساکنین به دلیل ازدحام و تراکم جمعیت، شلوغی و سروصدما، نزاع و درگیری دانشجویان بر سر مسائل مختلف، عدم تعلق به خوابگاه، گرایش به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و مصرف انواع مواد مخدر.

مطالعه (انواری، ۱۳۹۷) در بررسی "حس تعلق به خوابگاه؛ مطالعه موردي دختران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران" نشان می‌دهد به دلیل نداشتن حریم خصوصی، مشکل در ایجاد و برقراری ارتباط با مسئولان و هم‌اتاقی‌ها و محدودیت‌های ناشی از قوانین خوابگاه، حس تعلق به خوابگاه در بسیاری از دانشجویان پایین است. نتایج پژوهش (رفعت جاه و رضایی، ۱۳۹۷) با عنوان "تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه" نشان داد که از نظر هویت فرهنگی، دختران مذهبی با انسجام هویتی بیشتر و چالش‌های هویتی کمتری مواجه‌اند. به علاوه دختران غیرمذهبی، واجد حس تعلق پایین به خوابگاه، انسجام هویتی کمتر و گرایش بیشتری به هویت جنسیتی مدرن دارند.

نتایج تحقیق (سراج زاده و حبیب پورگتابی، ۱۳۹۷) در بررسی "کیفیت زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی ایران" نشان می‌دهد در بعد اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی برای دختران، بیشتر مربوط به امر

## بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آن‌ها / ۶۷

جنسي و از نوع روابط دوستي مي باشد (رابطه دوستي، رابطه جنسی و پارتي). به طور کلی رضایت دانشجویان از کیفیت ذهنی زندگی خوابگاهی، چه در شکل شهودی و چه در شکل منطقی آن، پایین بوده است و دانشجویان از دامنه زمانی رفت و آمد در خوابگاه ناراضی بودند.

مطالعه (عطایی و میر حیدری، ۱۳۹۸) با عنوان "آسیب‌شناسی عوامل اجتماعی سکونت در سرای دانشجویی" نشان داد که فرصت‌های ناشی از زندگی خوابگاهی بیشتر از تهدیدهای آن است. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق، تفاوت معنی‌داری در نمرات فرصت‌ها و تهدیدهای اجتماعی در خوابگاه دانشجویی بر حسب مدت اقامت خوابگاه، مسافت منزل تا خوابگاه، مذهب، رشته تحصیلی، نوع محل زندگی، تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و میزان درآمد، وجود ندارد.

نتایج پژوهش (پاشایی ۱۳۹۸) با عنوان "آسیب‌های سبک زندگی دانشجویی و راهکارهای بروز رفت از آن‌ها" نشان داد سبک زندگی دانشجویی در ایران بازنمودی از سبک زندگی مردم این سرزمین است. نتایج این تحقیق بیانگر وجود آسیب‌هایی همچون شعار محوری، فردگرایی، مصرف‌گرایی، داشتن فکر کوتاه‌مدت و نگاه تجمل محور در سبک زندگی دانشجویی است. به نظر محقق این آسیب‌ها را می‌توان با آموزش تفکر و زندگی جمعی، تشویق به کتاب خواندن و گفتگو کردن، رعایت حقوق دیگران و تغییر نگرش به لذت‌گرایی موجود، برطرف کرد. مطالعات (ابی<sup>۱</sup> و همکاران ۱۹۹۸) در بررسی "تأثیر یک برنامه همسان بر دانشجویان ملل مختلف" حاکی از آن است که دانشجویانی که از کشورهای آسیایی به امریکا آمده‌اند به دلیل دوری از کشور، خانواده، ناآشنای با زبان، وجود تضاد فرهنگی - اجتماعی و تفاوت در عالیق اجتماعی، به مرتب در خوابگاه با مشکلات اجتماعی بیشتری مواجه می‌شوند.

نتایج پژوهش (اویریت و لوفتوس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) با عنوان "مسئولان خوابگاه به عنوان مجریان قانون: تعارض نقش" نشان داد مسئولان با دانشجویان مقطع کارشناسی ارتباط دوستانه داشتند اما زمانی که قوانین خوابگاه توسط ساکنان خوابگاه نقض شده و تخلفاتی اتفاق می‌افتد، بین مسئولان و دانشجویان ساکن خوابگاه تعارض روی می‌دهد و از سوی مسئولان برخورد جدی صورت می‌گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد، محققان هریک در حوزه تخصصی خود به طور جداگانه به بررسی مشکلات و مسائل محیطی، روانی و خوابگاهی دانشجویان غیربومی پرداختند؛ اما پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استفاده از رویکرد

<sup>1</sup> Abe, Talbot & Geelhoed

<sup>2</sup> Everett & Loftus

کیفی به درک عمیق و زمینه مندی از مشکلات زندگی خوابگاهی و مقایسه آسیب‌های اجتماعی سبک زندگی خوابگاهی و زندگی با خانواده، از دید دانشجویان دختر پردازد. به عبارتی تاکنون پژوهشی در مورد تجربه دختران دانشجو از زندگی خوابگاهی در مقایسه بازنده‌ی در خانواده، صورت نگرفته است و طبیعتاً با توجه به ماهیت این موضوع و هدف آن، رویکرد روش‌شناسختی مناسب، رویکرد کیفی است. این مسئله از این حیث واجد اهمیت و درخور بررسی است که خانواده به عنوان یکنہاد ستی و دانشگاه به عنوان یکنہاد مدرن، ارزش‌های متفاوت و گاهی متضادی را به نمایش می‌گذارند که می‌تواند برای دختران دانشجو، تجربه خاص و تناقض‌آمیزی را به همراه داشته باشد.

### سؤال‌های پژوهش

#### سؤال اصلی

مهتمه‌ترین مشکلات و آسیب‌های دانشجویان دختر در خوابگاه‌ها چیست؟

#### سؤال‌های فرعی

آیا استقلال عمل و دوری از خانواده منجر به آسیب اجتماعی می‌شود؟

علل ترجیح زندگی خوابگاهی توسط دانشجویان دختر به همراه خانواده چیست؟

پیامدهای زندگی خوابگاهی برای دانشجویان دختر چیست؟

و درنهایت چه پیشنهادهایی برای کاهش مشکلات و آسیب‌های زندگی خوابگاهی می‌توان ارائه کرد؟

### روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی انجام شده است و روش مورداستفاده نیز روش نظریه زمینه‌ای است. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله بر فی معطوف به هدف انتخاب شده‌اند و معیار کفایت داده‌ها اشباع نظری است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه حکیم سبزواری است. داده‌ها از طریق مصاحبه انفرادی با ۱۴ مورد از دانشجویان دختر ساکن خوابگاه جمع‌آوری شده است. روایی تحقیق با نظر متخصصان علوم اجتماعی، روایی صوری است. بدین معنا که از نظرات اساتید، جهت کفایت تجزیه و تحلیل داده‌ها و دست یافتن به مفاهیم و مقولات برآمده از متن استفاده گردید و در تمامی مراحل تجزیه و تحلیل، نظرات آن‌ها اتخاذ، بررسی و اعمال گردید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، سه روش کدگذاری باز<sup>۱</sup>، محوری<sup>۲</sup> و گزینشی<sup>۳</sup> به کار گرفته شد. در راستای اعتمادپذیری، مصاحبه حضوری بالاطلاع و اجازه‌ی مشارکت‌کنندگان ضبط گردید سپس تمامی فایل‌های صوتی به صورت مکتوب پیاده‌سازی گردید.

کدگذاری نظری روشی است برای تحلیل داده‌هایی که به منظور تدوین یک نظریه به روش نظریه‌پردازی داده محور گردآوری شده است. مراحل اجرای کد گزاری نظری در پژوهش حاضر شامل سه مرحله گذاری باز، محوری و گزینشی است. در ابتدا مفاهیم و کدهای باز از مصاحبه‌ها استخراج شد، سپس این کدهای باز با توجه به مفاهیم و مضامین مشترک به روش کدگذاری محوری، مقوله‌بندی شدن و درنهایت کدهای بی‌ارتباط با اهداف تحقیق حذف شدند و با توجه به مقولات استخراج شده مقوله هسته‌ای انتخاب شد.

### یافته‌های پژوهش

در این بخش به مرور یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌هایی که از طریق کدگذاری نظری حاصل شده است، پرداخته می‌شود. در چارچوب مدل پارادایمی، تمامی یافته‌ها معنای یکدست و منسجمی می‌یابند به طوری که این یافته‌ها در قالب شرایط، استراتژی‌ها و درنهایت پیامدها را ارائه می‌گردند.

مقولات استخراج شده از مصاحبه‌ها شامل ۱۳ مقوله به شرح زیر است: ۱. مقوله برقسب‌های اجتماعی محل زندگی که شامل مفاهیم: تحت تأثیر محیط دانشگاه قرار گرفتن، قضاوت بر حسب ظاهر، پشت سر خانواده حرف زدن. ۲. مقوله اطاعت مطلق از پدر و مادر شامل مفاهیم: هنجارهای کترلی خانواده، هماهنگ و هم سو بودن با اعضای خانواده، زمان و مکان رفت‌وآمد. ۳. مقوله محدودیت‌های محیطی شامل مفاهیم: منفی دانستن رابطه با جنس مخالف، منفی دانستن گفت‌وگو با پسرهای فامیل، رعایت نکردن حدومرزاها با نامحرم. ۴. مقوله نبود آزادی عمل و استقلال شامل مفاهیم: عدم هماهنگی با خانواده در زمان صباحانه، ناهار و شام، عدم آزادی در انتخاب لباس، عدم هماهنگی با خانواده در زمان خواب. ۵. مقوله تناقض سنت‌ها با جامعه امروزی شامل مفاهیم: تغییر در تعاریف (دخلتر خوب/پسر خوب، زن مطلقه)، تغییر باورهای سنتی مربوط به ازدواج، تغییر در الگوی‌های ازدواج. ۶. مقوله تضاد عقیده با اعضای خانواده شامل مفاهیم: تضاد عقیده در انتخاب دوست، تضاد عقیده در باورهای دینی، تضاد عقیده در سبک زندگی. ۷. مقوله فاصله‌گیری از خود واقعی شامل مفاهیم: رعایت ادبیات حرف زدن در محیط خانواده، در نظر

<sup>1</sup> open

<sup>2</sup> axial

<sup>3</sup> selective

نگرفتن علائق خود در محیط خانواده، در نظر نگرفتن احساسات خود به خاطر حرف دیگران. ۸. مقوله افزایش استقلال در خوابگاه شامل مفاهیم: آزادی در انتخاب دوست، نوع پوشش (چادری/مانتوی)، آزادی دررفت و آمد. ۹. مقوله مدیریت هزینه شامل مفاهیم: در جریان بازار و امور اقتصادی قرار گرفتن، بالرزش شدن بول، قدرشناسی از خانواده بابت حمایت مالی. ۱۰. مقوله بالا رفتن قدرت درک و مدارا شامل مفاهیم: درک بهتر و دقیق‌تر از جنس مخالف، انتقادپذیری نسبت به گذشته، کنار آمدن با دیگران و مشکلات. ۱۱. مقوله بهبود تعاملات شامل مفاهیم: افزایش تعاملات با خانواده، افزایش تعاملات با محیط و آدمهای اطراف، افزایش اعتمادبهنفس. ۱۲. مقوله طبیعی شدن آسیب‌های اجتماعی شامل مفاهیم: عادی شدن رابطه با جنس مخالف، عادی شدن قلیان، سیگار و.. عادی شدن گفت‌و‌گو با دوستان از روابط جنسی. ۱۳. مقوله مشکلات زندگی خوابگاهی شامل مفاهیم: کم خوابی، بی‌نظمی ناشی از زندگی خوابگاهی، محدودیت رفت‌وآمد در خوابگاه، وابستگی به فضای مجازی، صدمه روحی و عاطفی ناشی از فضای مجازی، دغدغه‌ها و مسئولیت‌های زیاد زندگی خوابگاهی، تأثیر منفی هم‌اتاقی بر خلقات و نمرات ترم.

### مقوله هسته‌ای

مقوله هسته‌ای این تحقیق، «مدیریت خود در شرایط متناقض» است. از مجموع مقولات و نقل قول‌های استنتاج می‌شود که دانشجویان خوابگاهی فشار مضاعفی را برای انطباق زندگی خوابگاه با شرایط زندگی در محل سکونت متحمل می‌شوند. تفاوت در دو سبک زندگی متفاوت و گاهی متضاد، نیازمند مدیریت خود در شرایط متناقض است. ارزش‌ها و ضد ارزش‌های مختلف در محیط خوابگاه و انطباق فرد با هویت قبل از تجربه زندگی خوابگاهی نیاز مبرمی به مدیریت خود دارد. مدیریت خود در شرایط متناقض تا حد زیادی با مفهوم خود از نگاه روزنبرگ (۱۹۶۵) همسو است. روزنبرگ در تبیین خود و اندیشه معتقد است، افراد در هر موقعیت، خود را به‌گونه‌ای نمایش می‌دهند که مطابق با همان محیط و موقعیت باشد (ریتر، ۱۳۸۲: ۲۸۹). با تأکید روزنبرگ بر برداشت از خود، با تصور از محیط اجتماعی و فرهنگی محیط و در پی آن مدیریت خود در شرایط خوابگاه معنا پیدا می‌کند.

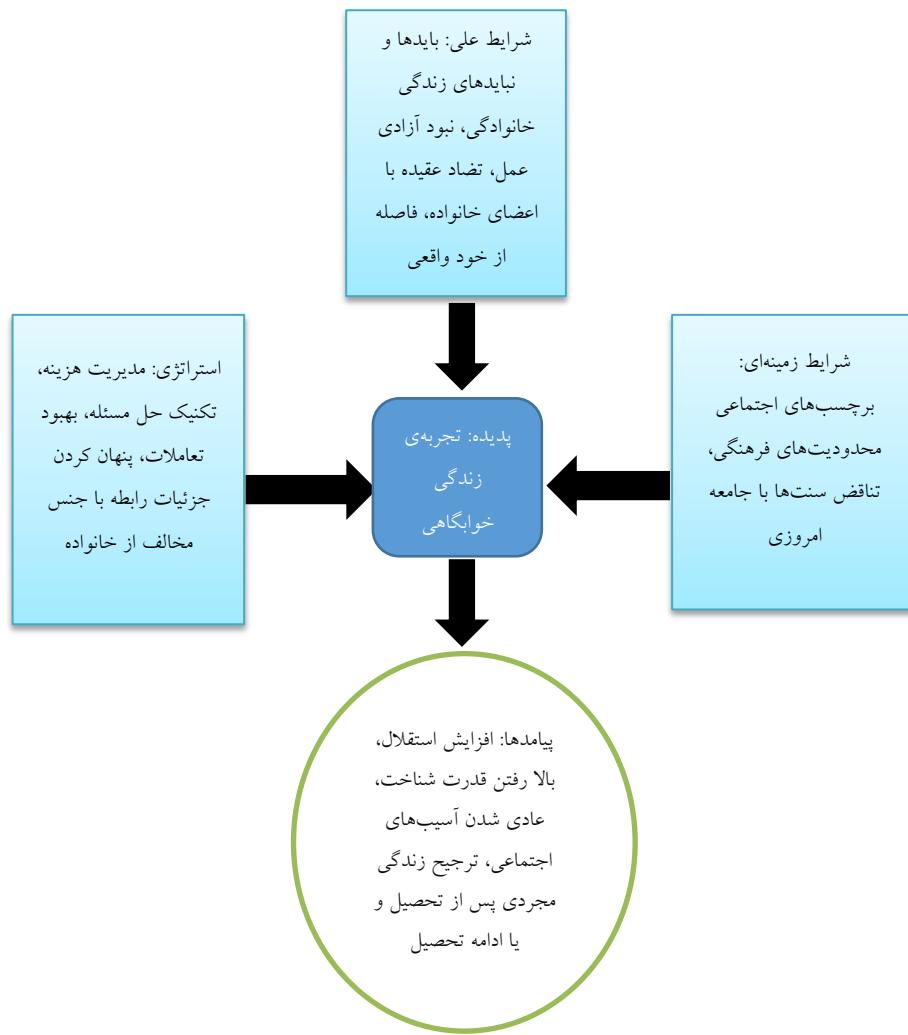
## جدول ۱ - کدها و مقوله‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

نقل قول	کدها	مقولات
«تو شهر خودمون چون محیط کوچیکه و همه هم دیگه رو میشناسن با کوچکترین تعییر در ظاهر سریع پشت سر خانوادت حرف میزنن که دخترشون فرستادن شهر غریب مثلاً درس بخونه!»	تحت تأثیر محیط دانشگاه قرار گرفتن	برچسب‌های اجتماعی محل زندگی
	قضاؤت برحسب ظاهر	
	پشت سر خانواده حرف زدن	
«بنظرم لازم نیست از همه‌چیز باخبر باشن و ما هرجی پدر مادر میگن گوش کنیم چون ما دو نسل متفاوتیم با علایق متفاوت»	اطاعت مطلق از پدر و مادر	هنجرهای کنترلی خانواده
	هماهنگ و هم سو بودن با اعضا خانواده	
	زمان و مکان رفت و آمد	
«باينکه او نقدر دنيا عوض شده اما رابطه با جنس مخالف، بیرون رفتن با پسر، پگویخندهای مختلط هنوز تو فامیل ما غیرقابل پذیرشه.. موندم اینا کی میخوان تغییر کنن»	منفی دانستن رابطه با جنس مخالف	محدودیت‌های محیطی
	منفی دانستن گفت و گو با پسرهای فامیل	
	رعایت نکردن حد مرزها با نامحرم	
«من هیچ وقت مهمونیهای خانوادگی رو دوست نداشم و نخواهم داشت چون مامانم نمیزاره اون جوری که دوس دارم لباس بپوشم»	عدم هماهنگی با خانواده در زمان خواب	نیود آزادی عمل و استقلال
	عدم هماهنگی با خانواده در زمان صبحانه، نهار و شام	
	عدم آزادی در انتخاب لباس	
«معیارهای من برای ازدواج ۱۸۰ درجه با خانوادم فرق می‌کنه... من اصلاً ازدواج سنتی دوست ندارم»	تغییر در تعاریف (دختر خوب/پسر خوب، زن مطلقه)	تناقض سنت‌ها با جامعه امروزی
	تغییر باورهای سنتی مربوط به ازدواج	
	تغییر در الگوهای ازدواج	
«ازنظر من مسلمونی این نیست که نماز بخونی... من قبل دانشگاه نماز می‌خوندم ولی الآن نه. ازنظر خانوادم ملحد به نظر میام.. من اینجوری فک نمی‌کنم»	تضاد عقیده در انتخاب دوست	تضاد عقیده با اعضا خانواده
	تضاد عقیده در باورهای دینی	
	تضاد عقیده در سبک زندگی	
«وقتی که بخونه ام باید مواظب رفتارام، حرف زدن و شوخی باشم.. احساس می‌کنم دارم برای بقیه زندگی می‌کنم و خودم نیستم.. گاهی به لحن حرف زدنم و یا بعضی از تیکه کلام هام واکنش نشون میدن»	رعایت ادبیات حرف زدن در محیط خانواده	فاصله‌گیری از خود واقعی
	در نظر نگرفتن علایق خود در محیط خانواده	
	در نظر نگرفتن احساسات خود به خاطر حرف دیگران	

مفهوم	کدها	نقل قول
افزایش استقلال در خوابگاه	آزادی در انتخاب دوست، نوع پوشش (چادری/مانتوی)	«وقتی خوابگاهی حق انتخاب با خودته میتوانی هفته‌ای ۱۰ بار برقی کافه... هر وقت خواستی برقی هر وقت خواستی بیای.. ممکنه این برای خیلی هایی که تو خانواده‌های آزادتر بزرگ شدن بی اهمیت باشه»
	آزادی در رفت و آمد	
مدیریت هزینه	در جریان بازار و امور اقتصادی قرار گرفتن بالرزش شدن پول	«از وقتی او مدم خوابگاه خیلی قدر پول رو میدونم و بیشتر از قبل حواسم به خرج و دخلم هست»
	قدرشناسی از خانواده بابت حمایت مالی	
	درک بهتر و دقیق‌تر از جنس مخالف انتقادپذیری نسبت به گذشته	«زندگی خوابگاهی ایجاب میکنه خودتو با دیگران هماهنگ کنی و کوتاه بیای.. و گاهی بدی هاتو از زبون بقیه بشنوی»
بالا رفتن قدرت درک و مدارا	کنار آمدن با دیگران و مشکلات	
	افزایش تعاملات با خانواده افزایش تعاملات با محیط و آدمهای اطراف	«من اعتمادبه نفس خیلی پایین بود حتی نمی تونستم پشت تلفن با یه مرد حرف بزنم و به اداره یا ارگانی زنگ بزنم و کارمو بگم»
	افزایش اعتمادبه نفس	
طبیعی شدن آسیب‌های اجتماعی	عادی شدن رابطه با جنس مخالف عادی شدن قلیان، سیگار	«انقضای روابط خوابگاهی چهارساله است. خیلی بعد داشتگاه ادامه‌دار بشه.. برا همین من به چند تا از دوستام میگم همه روابطمو میگم»
	عادی شدن گفت و گو با دوستان از روابط جنسی	
	کم خوابی	
مشکلات زندگی خوابگاهی	بی‌نظیمی ناشی از زندگی خوابگاهی محدودیت رفت و آمد در خوابگاه وابستگی به فضای مجازی صدمه روحی و عاطفی ناشی از فضای مجازی دغدغه‌ها و مستولیت‌های زیاد زندگی خوابگاهی تأثیر منفی هم‌اتاقی بر خلقيات و نمرات ترم	«مهمن ترین دغدغه زندگی خوابگاهی برای من ساعت خوابیه... واقعاً اينجا ساعت خوابم بهم ميريزه»، «ساعت ۹ برای ورد برای ورود به خوابگاه خیلی زود... کاش حداقل ساعت ۱۰ بود..»

### مدل پارادایمی

مفاهیم و مقولات استخراج شده از یافته‌های پژوهش، تحت عنوان مدل پارادایمی (شکل ۱) حول پدیده تجربه زندگی خوابگاهی جمع‌بندی شده است. لازم به ذکر است زندگی خوابگاهی ابعاد وسیعی دارد و محیط و قضاوت دیگران تأثیری زیادی بر نوع نگرش ما دارد کما اینکه افراد بسته به اعتقاد و فضایی که در آن تربیت شده‌اند در بحران‌ها و مشکلات زندگی رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند. در رابطه با دلایل و سبب‌شناسی چگونگی مدیریت خود در شرایط متناقض، لازم است در نظر داشته باشیم که تنها چند دلیل وجود نخواهد داشت. نمونه‌ای از اظهارات مشارکت‌کنندگان که از دو طریق، در پاسخ به سوالات مستقیم پژوهشگر و یا در ضمن گفت‌گو و بدون اشاره مستقیم پژوهشگر استخراج شده است و به شرایط علی دلالت دارد، به صورت کلیدی در جدول ۱ آورده شده‌اند. مقصود از پیامدها، آن دسته از پیامدهای مثبت یا منفی است که دانشجویان با توجه به تجربه زندگی خوابگاهی با آن‌ها مواجه می‌شوند. ممکن است این چنین مشکلات و پیامدهایی که اشاره می‌کنیم برای همه دانشجویان و به یک میزان اتفاق نیفتاده باشد.



شکل ۱ مدل پارادایمی

## نتیجه‌گیری

بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آن‌ها ۷۵/

یافته‌ها نشان داد که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان در شهر محل سکونت پوشش چادر، اما در شهر محل تحصیل پوشش مانتو را انتخاب می‌کنند. این دوگانگی رفتاری به دلیل کترلهای اجتماعی در محل سکونت و آزادی و حق انتخاب بیشتر در شهر محل تحصیل است. اینجا با در نظر گرفتن نظریه گافمن (۱۹۵۹)، شهر محل سکونت، جلوصحنه و شهر محل تحصیل، پشت صحنه است. درواقع در پشت صحنه، خود واقعی بازیگر جریان دارد. با توجه به نظریه نمایشی، اغلب کنشگران سعی می‌کنند لذت‌های پنهانی‌شان را از چشم حضار پوشیده نگهدارند تا فاصله نقش حفظ شود. دانشجویان در خلال مصاحبه اشاره کرده‌اند که می‌کوشند خانواده از آنچه در شهر محل تحصیل اتفاق می‌افتد باخبر نشود. آن‌ها همچنین بر آنند تا در شهر محل سکونت، مطابق هنجارهای عرف عمل کنند تا از برچسب خودگی جلوگیری کنند. این بخش از یافته‌ها با نتایج تحقیق جاهطلب و رضایی (۱۳۹۷) تقابل دارد. لازم به ذکر است، پوشش چادر در محل سکونت، برای اکثر دانشجویان امری ارادی نیست و به خاطر فشارهای اجتماعی محیط است؛ بنابراین ملاک مذهبی بودن، پوشیدن چادر، رفتن به نماز جماعت و رفتارهای از این سخن نیست و صرف مذهبی بودن به این معنا، منجر به کاهش چالش‌های محیطی نمی‌شود.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دانشجویان مورد مصاحبه به عنوان یک نسل جدید، بسیاری از باورها و عقاید نسل قبل (پدر و مادر) را تأیید نمی‌کنند و در بسیاری از موارد عقاید این دو نسل باهم در تضاد است. از آنجایی که افراد در نظام خانوادگی بالرزش‌های سنتی بزرگ‌شده‌اند، با ورود به محیط‌های جدید سعی دارند تمایلات و ارزش‌هایی را دنبال کنند که برای آن‌ها در اولویت است. در بسیاری از موارد والدین موانعی بر سر راه تمایلات فردی دانشجویان دختر هستند؛ این امر منجر به تنش در محیط خانه می‌شود. در نظریه بی‌سازمانی خانوادگی نیز تامس و زنائیکی (۱۹۱۳) معتقدند یکی از علت‌های اصلی بی‌سازمانی، نفوذ ارزش‌های جدید است ارزش‌هایی که در تضاد با رزش‌های نظام گذشته است. آن‌ها تأکید می‌کنند که اگر فرد در خانواده هیچ مانعی برای تمایلات فردگرایانه جدید نداشته باشد، این تمایلات به صورت عادی ظهور می‌کند و در بیشتر موارد منجر به رفتار ضداجتماعی نمی‌شود. چند تن از مصاحبه‌شوندگان نیز بیان کرده بودند که روابط خود با جنس مخالف را تا حدی با خانواده خود در میان می‌گذارند تا اطمینان حاصل کنند که موردپذیرش قرار می‌گیرد؛ اما اگر احساس کنند با مخالفت و واکنش آن‌ها مواجه می‌شوند شرح مسئله را بازگو نمی‌کنند همچنین در بحث انتخاب دوست، مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند که بسیاری از افرادی را که به عنوان دوست انتخاب می‌کنند، خانواده تأیید نمی‌کند و اغلب با سرزنش و نصیحت خانواده مواجه می‌شوند. بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، فاصله ایجاد شده منجر به ایجاد شکافی عمیق در روابط

عاطفی فرزندان با خانواده می‌شود. اغلب والدین در سن جوانی کمتر قادر به درک مسائل و افکار فرزندان خود هستند و چنانچه در جهت درک مسائل آن‌ها اقدامی نکنند همان‌طور که در ادامه عنوان می‌شود، فاصله ایجادشده، پیامدهای مخربی بر زندگی فرزندانشان در مقاطع زمانی مختلف به جای می‌گذارد.

بسیاری از نظریه پردازان رویکرد کج روی از جمله مرتون (۱۹۶۸) مسئله اجتماعی را تحالف از انتظارات بهنجار تلقی می‌کنند. در محل سکونت بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، پوشیدن چادر یک رفتار بهنجار تلقی می‌شود. مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌کردند که چون در شهرستان عموماً بانوان از پوشش چادر استفاده می‌کنند، اگر آن‌ها پوششی به‌غیراز چادر داشته باشند نوعی بی‌هنگاری محسوب می‌شود. همچنین آن‌ها اظهار می‌کردند که در شهر محل دانشگاه و محیط‌های ناشناس، چادر نمی‌پوشند. این همان عدم تطابق بین اهداف و وسائل می‌باشد که مرتون مطرح کرده است. درواقع فرد، در شهر محل زندگی چادر می‌پوشد که مورد قضاوت قرار نگیرد و از هنگارها تخطی نکرده باشد ولی پوشش چادر را فی نفسه دارای ارزش نمی‌داند. می‌توانیم بگوییم برجسته‌ترین وجه نظریه مرتون که با بحث مشکلات و آسیب‌های زندگی خوابگاهی تطابق می‌کند شعائر گرامی است (رد هدف و ادامه طرفداری از ابزار، مثل آیین‌های مذهبی که در آن از اهداف و ارزش‌های حقیقی آن خبری نیست). نتایج تحقیق پاشایی (۱۳۹۸) نیز بیان می‌کند یکی از ویژگی‌های جامعه ایران وزندگی خوابگاهی، شعار محوری و افکار کوتاه‌مدت است.

یکی از عواملی که در افزایش دل‌بستگی به مکان نقش دارد، عامل زمان یا طول مدت سکونت است (بونیتو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). مقولات استخراج شده نشان داد وقتی افراد در شهر محل زندگی و در کنار خانواده هستند به علت کنترل خانواده و بایدها و نبایدهای اجتماع محل زندگی، کمتر دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. باوجود مشکلات موجود در خوابگاه، اکثر نمونه‌های مورد مطالعه، زندگی خوابگاهی را بر زندگی با خانواده و شهر محل زندگی ترجیح می‌دهند. این بخش از یافته‌ها با نتایج تحقیق میر‌حیدری و عطایی (۱۳۹۸) همسو است. بنا بر یافته‌های آنان، فرصت‌های ناشی از زندگی خوابگاهی بیشتر از تهدیدهای آن است و از نگاه دانشجویان، زندگی در خوابگاه با وجود مشکلات و آسیب‌های آن، نهایتاً تجربه مفیدی است. درحالی که نتایج تحقیق سراج زاده و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد به دلیل وجود مشکلات فرهنگی و اجتماعی حس تعلق به خوابگاه پایین است و دانشجویان رضایت کمتری از زندگی در خوابگاه ابراز کرده‌اند.

خانواده سهم زیادی در تربیت و جامعه‌پذیری اولیه افراد دارد. دختران نیز دوران حساس زندگی خود را به لحاظ عاطفی و احساسی در خوابگاه و دانشگاه می‌گذرانند. با توجه به نظریه دل‌بستگی، اگر فرزندان با خانواده رابطه

<sup>۱</sup> Bonaiuto

خوبی داشته باشند و در کنار آن‌ها احساس ایمنی و آرامش کنند و بتوانند همه مسائل و اتفاقات پیش‌آمده خود را با آن‌ها در میان بگذارند، در همان ابتدا که دچار هرگونه آسیب اجتماعی می‌شوند، می‌توانند برای رفع آن از خانواده کمک بگیرند و یا اینکه مانع به وجود آمدن مشکلات اجتماعی شوند؛ ولی اگر رابطه دختران با خانواده، رابطه‌ای سرد باشد و نتوانند با خانواده احساس اطمینان کنند، این امر منجر به احساس افسردگی و تنهایی می‌گردد و این سرآغاز مشکلات اجتماعی متعدد است. چنان‌که مصاحبه‌شوندگان تأکید کرند که بسیاری از تفریحات، برنامه‌ها و عادات خود را با خود به خانه نمی‌برند و بسیاری از مشکلات خود را با خانواده مطرح نمی‌کنند. با توجه به شکاف به وجود آمده در بین دانشجویان و خانواده‌ها، ترجیح زندگی خوابگاهی برای دختران دانشجو، چندان دور از تصور نیست.

دوست و هم‌اتاقی، عنصر اساسی در تغییر رفتارها و نگرش‌های فرد در زندگی خوابگاهی است. از آنجاکه دختران دانشجو ساعات زیادی را با دوستان و هم‌اتاقی‌های خود می‌گذرانند به میزان زیادی بر اطرافیان تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. تحقیقات نشان داده است که محیط زندگی و تغییراتی که در آن رخ می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده حالات روحی و عاطفی افراد است (Bilz, ۲۰۰۱). تجربه زندگی در خوابگاه فقط شامل خطرات و پیامدهای منفی نیست، بلکه زندگی در محیط دانشگاه، خود باعث پیشرفت تحصیلی می‌شود (Velez, ۱۹۸۵). با توجه به نظریات ساترلند (1939) بعضی از محیط‌ها زمینه برخی فعالیت‌های غیرقانونی را فراهم می‌کند. پیوند نظریه او با بحث آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی خوابگاه در این است که وقتی افراد در کنار خانواده و محیط‌های کوچک زندگی می‌کنند، به دلیل کنترل خانواده و محیط، کمتر مرتکب فعالیت نابهنجار می‌شوند ولی زندگی در کنار دوستان در محیط خوابگاه، موجب یادگیری اجتماعی رفتارهای دیگران اعم از رفتارهای بهنجار یا نابهنجار می‌گردد. یکی از نقاط اساسی مورد تأکید ساترلند (1939) در بحث یادگیری، دوستان صمیمی است. در بسیاری از مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند که بیشتر الگوی‌های رفتاری مان برگرفته از الگوهای رفتاری جمع دوستانه است؛ به عنوان مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرده است که با ورود به انجمن و همکاری با دوستان و دانشجویان پسر در انجمن، روحیه‌اش تغییر کرده است و «بسیار با جنبه تر و خوش‌برخوردن» از گذشته شده است. همچنین تعداد قابل توجهی از دختران به این موضوع اشاره کرده‌اند که اگر هم‌اتاقی‌ها و دوستان اهل مطالعه باشند، ناخودآگاه آن‌ها نیز به سمت درس و مطالعه جذب می‌شوند درواقع این سبک زندگی تبدیل به فرصت می‌شود و بالندگی اجتماعی

<sup>1</sup>Beals

<sup>2</sup>Velez

یکی از دستاوردهای ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه است (آراسته، ۱۳۹۳). این بخش از یافته‌ها با تحقیق زائر و محمدی (۱۳۹۲) همسو است؛ چنانکه یافته‌های ما نیز نشان می‌دهد شرایط خوابگاهی همچون تراکم افراد در اتاق‌ها با پیشرفت تحصیلی دانشجویان مرتبط است. به طورکلی این بخش از یافته‌های تحقیق با تحقیق ابی و همکاران (۱۹۹۸) همسو است. به این معنا که وقتی افراد با تضادهای اخلاقی-فرهنگی و تفاوت در علائق، مجبور به زندگی در محیطی همچون خوابگاه هستند با مشکلات اجتماعی بسیاری مواجه می‌شوند.

در سالیان اخیر فراگیر شدن فضای مجازی در بروز آسیب‌های اجتماعی نقش پررنگی داشته است. میزان حجم اینترنتی ماهیانه‌ای که دانشگاه در اختیار دانشجویان گذاشته، بنا به اظهار نظر بیشتر مصاحبه‌شوندگان، باعث وابستگی به اینترنت و فضای مجازی شده است و نبود این حجم اینترنت ثابت در منزل، در کاهش مشکلات اجتماعی بی‌تأثیر نبوده است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که محیط خانه به دلیل نبود اینترنت باعث خستگی و کسلی می‌شود و تعدادی بیان کرده‌اند که نبود اینترنت ثابت، باعث افزایش تعاملات با خانواده شده است. این بخش از یافته‌های پژوهش با تحقیق نادر نژاد و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در پژوهش مذکور نیز به اثرات منفی فضای مجازی از جمله کاهش روابط و تعاملات با اعضای خانواده و وابستگی به فضای مجازی اشاره شده است. وابستگی به فضای مجازی، موجب هدر رفت زمان و اوقات فراغت افراد می‌شود، درحالی‌که مدیریت اوقات فراغت می‌تواند به عضویت افراد در انجمن‌ها، افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی، افزایش نشاط و کسب تجارب جدید بیانجامد.

مفهومه تضاد عقیده با اعضای خانواده و تناقض سنت‌ها با جامعه امروزی، نشان می‌دهد که وابستگی به فضای مجازی و استفاده بیش از حد از این فضا، موجب گسیست بین دختران دانشجو و محیط اجتماعی شان شده است و کارکرد و نقش خانواده را به عنوان واحد نظارتی دچار اختلال کرده است. به نظر هیرشی (۱۹۶۹) کج‌رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف گردد و هرچه افراد، کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند، پیوندان با جامعه سست‌تر و احتمال کج‌رفتاری بیشتر خواهد بود.

«دوگانگی پیامدهای مثبت و منفی تجربه زندگی خوابگاهی» به عنوان مقوله‌ای مستخرج از یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که علی‌رغم پیامدهای مثبتی که این سبک زندگی در ابعاد فردی برای دانشجویان دختر به همراه داشته است، این افراد فشار مضاعفی را برای انطباق زندگی خوابگاه با شرایط زندگی در محل سکونت متحمل می‌شوند. مقوله «مدیریت خود در شرایط متناقض» استراتژی دانشجویان برای انطباق خودبین دو سبک زندگی متفاوت است، اما اثر مثبتی در رفع چالش‌های موجود بین این دو سبک زندگی نداشته و صرفاً منجر به ایجاد شخصیت نمایشی و کم شدن تعاملات این افراد با اعضای خانواده‌شان شده است. در مقایسه با نتایج تحقیق استردا و همکارانش (۲۰۰۸)

که معتقد است خوابگاه‌های دانشجویی موقعیت مناسبی برای رشد فردی و اجتماعی دانشجویان فراهم می‌کند و سعیدی و اسماعیلزاده (۱۳۸۹: ۴۴) که معتقدند اگر این فضا تواند به اندازه کافی رضایت‌بخش باشد، نمی‌تواند حس مسئولیت‌پذیری در کسب دانش و موفقیت را به تجربه دانشجویان بیفزاید، می‌توان گفت سیستم مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی با وجود دارا بودن موقعیت مکانی و پتانسیل انسانی، در جهت رشد شخصیت و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و کسب تجارب مفید میان دانشجویان، موفق عمل نکرده‌اند و دانشجویان دختر در انتباط با دو سبک زندگی متفاوت، رفتاری دوگانه در پیش‌گرفته‌اند. باید توجه داشت که ترجیح زندگی خوابگاهی نمی‌تواند یک انتخاب دائم برای ادامه مسیر زندگی این افراد باشد، آن‌ها به‌واسطه برگشت به محل سکونت خود در پایان دوران تحصیل، ازدواج و اشتغال مجددًوارد سبکی از زندگی خواهد شد که با سبک زندگی خوابگاهی قابل انتباط نیست و طبیعتاً در آینده آن‌ها را دچار مشکل خواهد کرد.

جامعه در حال گذار ایران، جامعه‌ای است که یک پای آن در سنت و پای دیگر آن در مدرنیته است. خانواده به عنوان دیرپاترین نهاد نماینده ارزش‌های سنتی، در جهت تداوم این ارزش‌ها عمل می‌کند و دانشگاه هم به عنوان نهاد جدیدی که در حدود یک‌صد ساله‌ی اخیر در کشور ما سر برآورده است، جایگاه ارزش‌ها و هنجارهای جهان متعدد شده است. ارزش‌های مورد تأکید این دو نهاد (خانواده و دانشگاه) در بسیاری از موارد، متفاوت از هم و گاهی نیز در تضاد باهم است. در دهه اخیر با فراگیر شدن رسانه‌های جمعی و بهویژه فضای مجازی، آگاهی از سبک‌های زندگی در سایر نقاط جهان نیز به شدت افزایش یافته است. ارزش‌های جهان جدید مانند استقلال در زندگی، انتخاب آزادانه سبک زندگی و روابط دوستی میان دو جنس، طبیعتاً در فضای دانشگاه بیشتر از خانواده بروز می‌کند. از طرف دیگر ارزش‌های سنتی در نهاد خانواده و اجتماع محلی، دختران را بیشتر از پسران تحت نظارت و کنترل قرار می‌دهد. در چنین زمینه‌ای است که مقوله محوری تحقیق حاضر یعنی «مدیریت خود در شرایط متناقض» در مورد تجربه زندگی خوابگاهی دختران دانشجو در مقایسه بازندگی با خانواده معنا می‌یابد.

### پیشنهادها

مفهوم‌ها و مفاهیم استخراج شده از یافته‌ها نشان‌دهنده شکاف عاطفی میان فرزندان و والدین و عملکرد نه‌چندان موفق مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی در زمینه کسب تجارب مفید و مسئولیت‌پذیری دانشجویان است. طبیعتاً با توجه به تجربه تناقض یادشده در بخش یافته‌ها توسط دختران دانشجو، باید پیشنهادات معطوف به سازگاری و نزدیک شدن دو سبک زندگی خوابگاهی و خانوادگی باهم باشد به‌نحوی که وجود مثبت هر کدام از این دو فضا در دیگری تقویت گردد

و وجوده منفی این فضاهای اصلاح شود؛ بنابراین پیشنهادات در دو حوزه بهبود روابط فرزند و خانواده و تغییر شیوه مدیریت فضای فیزیکی و پتانسیل انسانی در خوابگاه‌های دانشجویی ارائه می‌شود.

- ۱- جلب بیشتر مشارکت‌های اجتماعی دانشجویان در فعالیت‌ها و امور دانشگاهی و خوابگاهی می‌تواند در کسب مهارت، بهبود تعاملات و ارتباطات اجتماعی آن‌ها تأثیرگذار باشد. اصلاح سبک زندگی دانشجویی در جهت انطباق بیشتر با وجوده مثبت و مفید سبک زندگی خانوادگی و محیط اجتماعی، نیازمند فعال‌سازی مشارکت دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی نسبت به تنظیم آینین‌نامه و تشکیل انجمنی متشكل از دانشجویان ساکن خوابگاه اقدام کند تا این انجمن با فعالیت‌هایی از قبیل آموزش زندگی خوابگاهی، انجام فعالیت‌های گروهی، اجرای برنامه‌های تفریحی و فرهنگی، برگزاری کارگاه‌های عملی حل مسئله، برگزاری جلسات نقد و خوانش کتاب و مقالات مرتبط با مشکلات خوابگاهی به‌طور منظم، برگزاری نمایشگاه معرفی تازه‌های کتاب و دستاوردهای دانشجویی، آشنا کردن سایر دانشجویان و اساتید و کارکنان آموزشی با مشکلات سبک زندگی خوابگاهی در جشنواره سالانه "حرکت" دانشجویی و چاپ بروشورهای آموزشی، بتواند با ایجاد آگاهی در دانشجویان، تجربه زندگی خوابگاهی را برای آن‌ها هر چه بیشتر مثبت، مفید و قادر تناقض سازد.
- ۲- همان‌طور که اشاره گردید خانواده مهم‌ترین نقش را در تربیت و جامعه‌پذیری اولیه افراد دارد. با توجه به مقولات استخراج شده از این پژوهش ازجمله وجود شکاف عاطفی و شناختی میان فرزندان و والدین، لازم است بر بهبود رابطه فرزندان و خانواده خصوصاً در نوجوانی تأکید شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مستقیم و رسمی یا غیررسمی پیش از زمان ورود جوانان به دانشگاه‌ها، از طریق نظام آموزش و پرورش اعمال گردد. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل این موارد باشد: تدوین محتواها و فعالیت‌های آموزشی معطوف به ایجاد روابط صمیمانه میان فرزندان و والدین در مدارس، تدوین کارگاه‌های عملی شناخت روحیات نوجوانان و نحوه ایجاد روابط صمیمانه از طریق انجمن‌های اولیا و مریبان مدارس، آموزش‌های غیررسمی از طریق رسانه‌ها مانند ساخت و نمایش تبلیغات کوتاه تلویزیونی حاوی پیام‌های آموزنده، ساخت مستند، تئاتر و نمایش، فیلم یا برنامه‌های آموزشی با حضور کارشناسان خبره باهدف ایجاد روابط صمیمانه و نزدیک میان فرزندان و والدین.

## منابع

بررسی تجربه زندگی خوابگاهی در میان دانشجویان دختر با تأکید بر مشکلات آنها / ۸۱

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۹۳). دستاوردهای ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی. آموزش عالی ایران، ۱۹-۱، ۶(۲).
- آقا بخشی، حبیب (۱۳۷۸). اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب‌های جامعه‌ای. چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- انواری، زهره (۱۳۹۷) حس تعلق به خوابگاه؛ مطالعه موردی دختران دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۱(۲)، ۱۰۵-۱۳۱.
- پاشایی، حمید (۱۳۹۸). آسیب‌های سبک زندگی دانشجویی و راهکارهای بروز رفت از آنها. اولین همایش زندگی دانشجویی فرصت‌ها و آسیب‌ها با تأکید بر دانشجویان ساکن سراهای (خوابگاه‌های) دانشجویی، همدان، دانشگاه پویا سینا.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفعت‌جاه، ماریا؛ رضایی، مزگان (۱۳۹۷). تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه مطالعه‌ای تطبیقی در خوابگاه‌های دولتی و خصوصی شهر تهران. فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان‌شناسی زنان، ۱۶(۴)، ۱۰۹-۱۴۸.
- رفیعی، حسن (۱۳۸۷) مشکلات اجتماعی در اولویت ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۹(۲ و ۱)، ۱۸۴-۲۰۸.
- رفیعی، حسن؛ مدنی، سعید؛ وامقی، مروئه (۱۳۸۰). مشکل اجتماعی: دستور کار نظام رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱(۱)، ۳۳-۳۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- زائر، لیلا؛ قائدمحمدی، محمدجواد (۱۳۹۲). مشکلات اجتماعی-تحصیلی دانشجویان دختر (۱۸-۲۹ ساله) ساکن خوابگاه دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۲ از دید خود دانشجویان. نشریه پژوهش اجتماعی، ۶(۱۸)، ۱۷۹-۲۰۸.
- ستار، فریده (۱۳۹۵). چالش‌های زندگی دانشجویی در خوابگاه‌های خود گران در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی). نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۷(۲)، ۳۱۱-۳۳۸.

- سراج زاده، سید حسین؛ حبیب پورگتابی، کرم (۱۳۹۷) کیفیت زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱(۴)، ۳۱-۱.
- سعیدی، علی‌اصغر؛ اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۸۹) بررسی مسائل و مشکلات خوابگاه‌های دانشجویان دختر دانشگاه دولتی شهر تهران. *نشریه زن و بهداشت*، ۱(۱)، ۸۸-۴۳.
- شجاع نوری، فروغ الصباح؛ شکری، فرزانه (۱۳۹۲) شناسایی و طبقه‌بندی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیربرومی. *نشریه مهندسی فرهنگی*، ۸(۷۷)، ۱۴۵-۱۶۸.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- عطایی، پری؛ میرحیدری، اشرف (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی عوامل اجتماعی سکونت در سرای دانشجویی (موردمطالعه: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اصفهان). اولین همایش زندگی دانشجویی فرصت‌ها و آسیب‌ها با تأکید بر دانشجویان ساکن سراهای (خوابگاه‌های) دانشجویی، همدان، دانشگاه بουعلی سینا.
- فروتن، حسن (۱۳۸۹). تعیین میزان تأثیرپذیری فرهنگی دانشجویان خوابگاه‌های آموزشکده‌های فنی استان اصفهان سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی*.
- فلیک، اووه (۱۳۹۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. مترجم هادی جلیلی. چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- کریم پور، مهرداد (۱۳۸۶). طراحی خوابگاه‌های دانشجویی در منطقه ۲۲ تهران. *پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه تهران*.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ بیست و دوم، تهران: نشر نی.
- لاچوردی، سارا (۱۳۸۳). ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و گرایش به سوءصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. *کارشناسی ارشد. رشته روان‌شناسی بالینی*. دانشگاه رودهن.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱) انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار نادرنژاد، بهزاد؛ رسمی، پویا؛ رضایی، نثار؛ ساعدی، سارا (۱۳۹۴). شناسایی آسیب‌های اجتماعی دانشجویان دختر خوابگاهی با تأکید بر استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی. *ششمین همایش سرتاسری آسیب‌های پنهان زیست دانشجوئی، کردستان، جهاد دانشگاهی واحد کردستان*.
- نوری، ریابه (۱۳۸۹) خانواده و دانشجو. چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران.

- Abe, J., Talbot, D. M., & Geelhoed, R. J. (1998). Effects of a peer program on international student adjustment. *Journal of College Student Development*, 39(6), 539-547.
- Bechtel, R. (1977). "Enclosing Behavior." Stroudsburg, Pa.: Dowden. Hutchinson and Ross. 31(1), 192-197.
- Berliner, L. E., D. (2002). "extual abuse of children the APSAC handbook on child Maltreatment." thousand Oars, CA: sage(2nd ed).55-78.
- Bonaiuto M, Aiello A, Perugini M, Bonnes M, Ercolani AP (1999). Multidimensional environment quality and neighbourhood attachment, *Urban Environment*, 19(8), 331-352.
- Estrada, C. A. G., Gomez, R.V., Maniti, H.S., Polliente, K.B. & Reynoso, L.B (2008). "The Academic Constraints of Students Living in Dormitories." The Faculty of Language and Literature Department Institute of Accounts and Finance Far Eastern University Sampaloc, Manila. 7,1-36.
- Everett, D. & Z. Loftus (2011). "Resident Assistants as Rule Enforcers versus Friends: An Exploratory Study of Role Conflict". *The Journal of College and University Student Housing*, 37(2), 72-89.
- Manly, J. T., Kim, J. E., Rogosch, F. A. & Cicchetti, D. (2002). "Dimensions of child maltreatment and childrens adjustment." *Dvelopmental and psychopathology*, 13(4), 759-782.
- Velez, W. (1985). "Finishing college: The effects of college type". *Sociology of Education*, 58(3). 191-200.